

مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، سال یازدهم، شماره ۳۷، زمستان ۱۳۹۵

شاپای چاپی ۲۰۰۸-۲۹۴۰

<http://jshsp.iaurasht.ac.ir>

صص. ۷۲-۵۵

ارزیابی وضعیت شاخص‌های اجتماعی مسکن (مطالعه موردی: مناطق روستایی شهرستان رشت)

محمد رضا پورغفار مغفرتی - دانش آموخته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

عیسی پوررمضان* - استادیار گروه جغرافیا، واحد رشت، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۰۲

تاریخ دریافت: ۹۵/۰۷/۱۲

چکیده

شاخص‌های مسکن مهم‌ترین و کلیدی‌ترین ابزار برنامه‌ریزی مسکن می‌باشد. بررسی شاخص‌های اجتماعی مسکن یکی از وسایل و شیوه‌های شناخت ویژگی‌های مسکن به شمار می‌رود که می‌توان به کمک آن پارامترهای مؤثر در امر مسکن را شناخت و هرگونه برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری را آسان نمود. هدف این پژوهش بررسی و ارزیابی وضعیت شاخص‌های کمی و کیفی اجتماعی مسکن مناطق روستایی شهرستان رشت می‌باشد. از این رو پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و ماهیت روش آن توصیفی-تحلیلی است که اطلاعات مورد نیاز آن از طریق منابع اسنادی حاصل از نتایج شش دوره سرشماری در طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ به دست آمده است. نتایج بررسی و مقایسه شاخص‌های اجتماعی مسکن در مناطق روستایی شهرستان رشت طی سال‌های ۱۳۴۵ الی ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که از نظر شاخص‌های اجتماعی کمی مسکن (تراکم خانوار در واحد مسکونی، تراکم نفر در اتاق، تراکم نفر در واحد مسکونی و توزیع واحدهای مسکونی برحسب تعداد اتاق و خانوار)، در وضعیت مناسب‌تر و مطلوب‌تری نسبت به گذشته قرار دارد و هم‌چنین از نظر شاخص‌های اجتماعی کیفی (میانگین سطح زیربنای واحد مسکونی، دوام مصالح ساختمانی، مالکیت و نحوه تصرف و امکانات زیرساختی و تسهیلات)، واحدهای مسکونی روند رو به رشدی را شاهد بوده و بهبود نسبی داشته‌اند اما کماکان مشکلات و کاستی‌هایی نیز وجود دارد.

واژگان کلیدی: مسکن روستایی، شاخص‌های اجتماعی، شاخص‌های کمی و کیفی، کیفیت مسکن، مناطق روستایی، شهرستان رشت

مقدمه

مسکن به‌عنوان سرپناه از مهم‌ترین نیازهای انسان بوده و همواره در الویت برنامه‌ریزی‌های توسعه قرارداد (Dalal pormohamadi, 20: 43). مقوله مسکن امروزه نه تنها به‌عنوان یک سرپناه بلکه به‌عنوان هویت، امنیت و منبع سرمایه در بین ساکنان یک جامعه است. مسکن نقش تعیین‌کننده‌ای در شکل‌گیری جوامع و آسایش روحی و روانی ساکنان آن دارد و یکی از شاخص‌های سنجش سطح کیفیت زندگی و رفاه اجتماعی محسوب می‌شود و در برنامه‌ریزی ملی، دارای الویت است (Ahmadi, 2010: 25).

امروزه مسکن و مسائل مربوط به آن به‌عنوان یک مسئله جهانی مطرح است و برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران در کشورهای مختلف به دنبال راه‌حلهایی برای حل مسائل مربوط به آن می‌باشند (Buckley, 2005: 235). مسکن نسبت به سایر کالاها به دلیل ویژگی‌هایی مثل غیرقابل جایگزین بودن، سرمایه‌ای بودن، بادوام و پرهزینه بودن و غیرمنقول بودن می‌تواند عامل مهمی در امنیت انسانی و اجتماعی به شمار بیاید (Gallent & Robinson, 2011: 299) و هم چنین نقش به‌سزایی در اقتصاد شهری و روستایی داشته باشد.

مسکن در روستا متناسب با شرایط محیطی، اجتماعی و اقتصادی جامعه روستایی دارای تشابهات و تفاوت‌هایی با مسکن در شهرهاست. اهمیت مسکن در روستا ناشی از پاسخگویی آن به نیازهای اصلی زیستی و اقتصادی جامعه روستایی است (Jamshidi et al, 2013: 74). برنامه‌ریزی برای مسکن روستایی در ایران به مانند آنچه تحت نام برنامه‌ریزی مسکن شهری صورت می‌گیرد، چندان عمومیت نداشته و مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته‌اند و سازمان‌های مسئول در این زمینه نتوانسته‌اند چندان کاری انجام دهند. به طور کلی در برنامه‌های مسکن قبل و بعد از انقلاب نگرش و توجه بیشتر به معضلات و کمبودهای مسکن شهری بوده و به مسائل و تنگناهای موجود در کیفیت و شرایط مسکن روستایی توجهی نشده است. عدم درک و شناخت تفاوت‌های موجود در زمینه مسکن روستایی به لحاظ همسویی و همپوشی آن با سایر فعالیت‌های اقتصادی و جریانات اجتماعی و تأثیر عمیق آن در فرآیند اشتغال و رفاه جامعه روستایی، می‌تواند اثرات سویی بر کل پیکره نظام برنامه‌ریزی کشور وارد نموده و تبعات و تنش‌های اجتماعی، اقتصادی و کالبدی مختلفی را به دنبال آورد (Beshagh et al, 2014:192).

یکی از راه‌های مهم آگاهی از وضعیت مسکن در فرآیند برنامه‌ریزی، استفاده از شاخص‌های مسکن است. با استفاده از این شاخص‌ها می‌توان وضعیت حاکم بر نظام مسکن را ارزیابی نمود و مقیاس واقعیات و رخدادهایی که در این زمینه وجود دارند، از نظر عینی بررسی کرد (Satarzadeh, 2009:57). در میان شاخص‌های مسکن، مهم‌ترین و کلیدی‌ترین ابزار برنامه‌ریزی مسکن، شاخص‌های اجتماعی هستند که با استفاده از آن رابطه میان انسان با مسکن سنجیده می‌شود. اهمیت کاربرد شاخص‌های اجتماعی مسکن تا جایی پیش رفته که برنامه‌ریزان با شناخت ابعاد و جنبه‌های مختلف مسکن به تدوین سیاست‌های مربوط به مسکن و برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تر در این مقوله می‌پردازند.

جدول ۱. برخی پژوهش‌های انجام شده در رابطه با موضوع

محقق	عنوان پژوهش	محتوا و نتایج پژوهش
Vida & Malys 2009	کیفیت مسکن یک مسئله کلیدی در ارائه جوامع پایدار و ارتقای کیفیت زندگی	به بررسی شاخص‌های اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و بهداشتی مسکن پرداخته‌اند و در نهایت جوامع پایدار را مستلزم داشتن مسکن پایدار از لحاظ فنی، بهداشتی و همسانی با محیط می‌دانند.
Zainal, Nor Rashidah, et al, 2012	بررسی رابطه بین شرایط مسکن و کیفیت زندگی افراد کم‌درآمد شهری در مالزی	محققین در این مقاله به بررسی شرایط و شاخص‌های مسکن شامل کالبد مسکن، شیوه تصرف، امکانات رفاهی و خدماتی مسکن و سلامت و ایمنی مسکن در مالزی را ارزیابی کرده‌اند و نتایج تحقیق رابطه معنادار کیفیت مسکن و کیفیت زندگی را به اثبات می‌رساند.
Jaiyeoba Babatunde 2012	شاخص‌های مسکن، درآمدی به مساکن افراد کم‌درآمد در نیجریه	با استناد به گزارش شاخص‌های کیفی مسکن در روترهام، عوامل مختلفی مثل نوع مکان، پارک و دسترسی وسایل نقلیه، سازه بنا، محیط داخلی، دسترسی، ایمنی، امنیت، تجهیزات و اتصالات، راندمان انرژی و نگهداری ساختمان را به‌عنوان شاخص‌های کیفی مسکن بیان کرده است.
M.Guan 2013	ارتباط بین مصرف زندگی و ارزش مسکن روستایی در چین	این تحقیق این‌گونه بیان می‌دارد که با استفاده از جزئیات هزینه زندگی در مناطق روستایی چین، این مطالعه نشان می‌دهد که علاوه بر هزینه‌های کلی زندگی، آن‌ها را تولید بیش توسعه مسکن روستایی می‌داند. نتیجه این مقاله با مفهوم کوتاهی می‌تواند به دولت در این زمینه کمک کند.
L.Wen Tao 2014	تأثیر ویژگی‌های مسکن در زندگی مهاجران روستایی در منطقه فن گاتی پکن	چنین بیان می‌دارد که ویژگی‌های مسکن مهاجران روستایی (ازدحام مسکن، حفظ حریم خصوصی و تسهیلات مسکن) شرایط زندگی در منطقه فن گاتی پکن را بسیار تحت تأثیر قرار می‌دهد.
Yonghua Zou 2014	تجزیه و تحلیل از همبستگی مکانی در وام مسکن باقیمت بالاتر (مطالعه موردی: فیلا دلفیا و شیکاگو)	محقق این‌گونه بیان می‌دارد که دولت‌های محلی باید با در نظر گرفتن ویژگی‌های محلی، فردی، اجتماعی، اقتصادی و زمانی در طراحی سیاست‌های مسکن مداخله کنند.
Yanliu Lin et al 2014	ارائه مسکن اجتماعی با توسعه مجدد برای مهاجران روستایی از روستاها به شهرستان‌ها (مطالعه موردی: پکن)	محقق در این پژوهش به این نتیجه دست یافته است که قیمت مسکن در چین یک مسئله اجتماعی و اقتصادی به‌ویژه برای مهاجران روستایی است و تأمین مسکن اجتماعی یک عنصر کلیدی در سیاست‌های فعلی است اما روستاهای شهرستان Uics از لحاظ قیمت مسکن اکثریت مقرون به‌صرفه نیست و برای مهاجران روستایی یک تهدید است.
عموزاده و همکاران ۱۳۹۲	بررسی شاخص‌های مسکن در ایران (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد)	نتایج نشان می‌دهد که با توجه به این که یکی از اهداف اصلی شهرهای جدید از جمله شهر جدید هشتگرد، ایجاد مسکن ارزان قیمت برای مردم متوسط و کم‌درآمد بود. اما در حال حاضر شاهد افزایش روزافزون قیمت مسکن در این شهر هستیم و همچنین بعضی از شاخص‌های مسکن در این شهر در وضعیت مطلوبی قرار ندارند.
نوری ۱۳۹۳	ارزیابی شاخص‌های اجتماعی مسکن شهری اسفراین	محقق به این نتیجه دست یافته است که از لحاظ شاخص‌های اجتماعی در اسفراین نظیر تراکم خانوار، تراکم نفر در اتاق در وضعیت به نسبت مناسب قرار دارد ولی از نظر شاخص‌های کیفی مثل سطح زیربنا روند روبه رشدی داشته است.
علوی ۱۳۹۳	بررسی وضعیت کمی و کیفی مسکن روستایی (نمونه موردی: روستای کره موجی از بخش مرکزی شهرستان لامرد)	نتایج نشان می‌دهد که میانگین تراکم خانوار روستای کره موجی برابر با ۱/۵ بوده و این نشان می‌دهد که در هر یک از واحدهای مسکونی به‌طور متوسط ۱/۵ خانوار ساکن بوده‌اند. همچنین از نظر سازه ۴۳/۶۸ درصد از مساکن بادوام و ۱۱/۸ درصد نیمه بادوام و ۴۵/۲۴ درصد از مساکن بادوام هستند و بیش از ۴۳/۴۳ درصد از واحدهای مسکونی موجود در روستا قدمتی بیش از ۳ سال دارند.
پور غفار و پور رمضان ۱۳۹۴	مقایسه تطبیقی وضعیت اجتماعی مسکن روستایی (مطالعه موردی: شهرستان رشت و شهرستان فومن)	طبق یافته‌های تحقیق در مناطق روستایی هر دو شهرستان از لحاظ شاخص‌های اجتماعی روند رو به رشدی را شاهد بوده اما در مقایسه، روستاهای شهرستان رشت از لحاظ شاخص‌های کمی و کیفی مسکن نسبت به مناطق روستایی شهرستان رشت در وضعیت بهتری قرار دارند.

منبع: Vida & Malys, 2009, Zainal Nor Rashidah, et al, 2012, Jaiyeoba Babatunde, 2012, M.Guan, 2013, L.Wen Tao, 2014, 2014

Yanliu Lin et al, 2014, عموزاده و همکاران ۱۳۹۲، نوری ۱۳۹۳، علوی ۱۳۹۳، پورغفار و پوررمضان ۱۳۹۳.

مسکن پس از غذا و پوشاک مهمترین نیاز خانوار به شمار می‌رود. مسکن در فرهنگ ایران تنها یک سرپناه نیست، مسکن محل آرامش خانوار، محلی برای گذراندن اوقات فراغت و تامین کننده امنیت اجتماعی و اقتصادی است (Ghalibaf, 2011:74). مسکن به عنوان یک عامل مهم تعیین کننده وضعیت سلامت جسمی و روانی، کیفیت زندگی، رفاه (Lawrence, 2012:326) و عامل اصلی جامعه پذیری افراد نسبت به جهان و کالایی عمده و تعیین کننده در سازمان اجتماعی است که در شکل گیری هویت فردی، روابط اجتماعی و اهداف جمعی افراد نقش بسیار تعیین کننده‌ای دارد (Short, 2012: 17).

مسکن روستایی به ویژه در کشور مابه دلیل شرایط خاص محیطی و ضعف فن آوری به مراتب بیش از مسکن شهری متاثر از شرایط محیطی به ویژه محیط طبیعی - اکولوژیکی بوده است به نحوی که تاثیرگذاری این مهم به خوبی از نوع کیفیت مصالح مستعمل در ساخت آن پیداست (Ghafari, 2011:105). مسکن در روستاها علاوه بر محل سکونت در برگیرنده فعالیت اقتصادی خانوار روستایی و محل ذخیره محصولات کشاورزی آنان نیز هست. مهمترین عملکردهای مسکن در روستاها شامل مسکونی، دامی، معیشتی و جنبی است (Badri & Mosavi, 2010:4). اقتصاد دانان بدین باورند مسکن روستایی نه تنها محل نشیمن افراد، بلکه محل تولید فرآوردهای دامی، زراعی، صنایع دستی و از همه مهمتر به عنوان یک کالای سرمایه‌ای می‌باشد. بنابراین امروزه مسکن روستایی، نه تنها رنگ و بوی تاریخی، اقتصادی و جغرافیایی را به خود گرفته است، بلکه تکنیک و تفکر خلاقانه انسان، توأم با هنر معماری که در آن اعتقادات، زیباشناسی و فرهنگی را در هم آمیخته است، به نمایش می‌گذارد (Bahrami, 2010:65). بررسی شاخص‌های اجتماعی مسکن یکی از شیوه‌های شناخت ویژگی‌های مسکن به شمار می‌رود که می‌توان به کمک آن پارامترهای مؤثر در امر مسکن را شناخت و هرگونه برنامه‌ریزی و تصمیم صحیح مسکن را تسهیل نمود (Ghafari, 2011:111). شاخص‌های مسکن ابزار مناسبی جهت سنجش معیارها و ضوابط سیاست‌های مسکن است. مهمترین کاربرد شاخص‌های مسکن، بالا بردن سطح اطلاعات موجود به منظور شناخت شرایط سکونتی ساکنان است به طوری که تصمیم‌گیران بتوانند تاثیر مسکن را بر زندگی ساکنان بطور دقیق تر و بهتر ارزیابی و تعیین کنند (Maleki, 2006:111). در میان شاخص‌های مسکن، شاخص‌های اجتماعی مناسب‌ترین ابزار اندازه‌گیری پیشرفت و تحقق هدف‌های کلی به شمار می‌روند به طوری که با استفاده از این شاخص‌ها می‌توان کلیه سطوح از فردی تا ملی و جمعی را مورد ارزیابی قرار داد. شاخص‌های اجتماعی مسکن از وسایل مهم سنجش رابطه انسان با مسکن به شمار می‌روند (Maleki, 2011:112). به‌طور کلی شاخص‌های اجتماعی مسکن به سادگی وجود کمی و کیفی کمبودهای ابعاد مسکن در وضع موجود و یا در هر مقطع زمانی موردنظر را نشان می‌دهند و به کمک آن‌ها می‌توان شرایط تهیه مسکن را ارزیابی و سنجش کرده و تصویر ملموسی از شرایط مسکن به دست آورد.

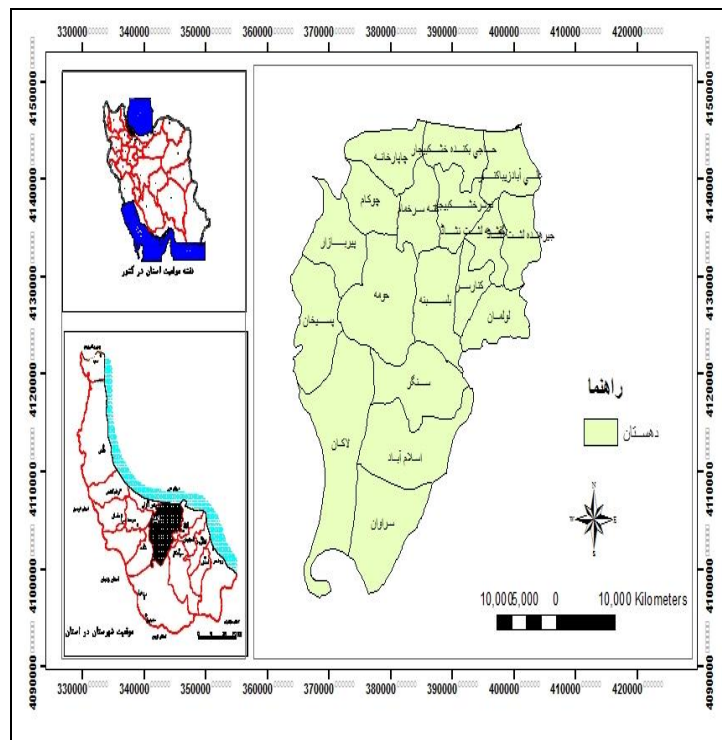
بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، شهرستان رشت دارای ۹۱۸۴۴۵ نفر جمعیت است که از این تعداد ۶۹۸۰۱۴ (۷۶ درصد) در مناطق شهری و ۲۲۰۴۳۱ نفر (۲۴ درصد) در مناطق روستایی ساکن بوده‌اند. افزایش روند مهاجرت از روستاها به شهرها و کاهش چشمگیر درصد روستائینی در این شهرستان، حکایت از نامناسب بودن وضعیت زیستی در روستاها و اختلاف بین سطح درآمد و سطح زندگی در نواحی شهری و روستایی این شهرستان دارد. در این تحقیق به بررسی و تحلیل وضعیت شاخص‌های اجتماعی مسکن روستایی در شهرستان رشت پرداخته شده و از لحاظ شاخص‌های کمی (تراکم خانوار در واحد مسکونی، تراکم نفر در اتاق، تراکم اتاق در مسکن و...) و شاخص‌های کیفی (میانگین سطح زیربنا، دوام مصالح، برخورداری از تأسیسات و خدمات زیربنایی و...)، تغییرات و تحولات مسکن روستایی را از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۹۰ مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است تا با توجه به اهمیت کاربرد این شاخص‌ها، بتوان با تهیه و تدوین برنامه‌ای مناسب مشکلات و کمبودهای موجود در بحث مسکن روستایی شهرستان رشت را بر طرف نمود.

روش پژوهش

روش تحقیق ترکیبی از روش‌های توصیفی و تحلیلی که با تجزیه و تحلیل اطلاعات جمعیتی، شاخص‌های کمی و کیفی اجتماعی مسکن با توجه به مسئله بعد مکانی - فضایی استفاده شده است. از آنجا که داده‌های مورد نیاز برای تحقیق، داده‌های سری زمانی هستند از این رو برای گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است و مبنای داده‌ها بر پایه اطلاعات استخراج شده از سرشماری‌های نفوس و مسکن شهرستان رشت طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ می‌باشد. داده‌های مربوط به کمیت مسکن عبارت‌اند: از تراکم خانوار و نفر در واحد مسکونی، تراکم نفر در اتاق و تراکم اتاق در واحد مسکونی و داده‌های مربوط به کیفیت مسکن شامل: میانگین سطح زیربنا، دوام مصالح، نحوه تصرف و خدمات و تسهیلات زیربنایی.

محدوده مورد مطالعه

شهرستان رشت با مساحت حدوداً ۱۲۱۵ کیلومترمربع، شامل ۶ بخش: مرکزی، خمام، خشک بیجار، سنگر، کوچصفهان و لشت نشا، و ۱۸ دهستان و ۲۹۶ آبادی، که ۲۹۴ آبادی آن دارای سکنه و ۲ آبادی آن خالی از سکنه است. جمعیت شهرستان طبق سرشماری سال ۱۳۹۰، ۹۱۸۴۴۵ نفر بوده و تعداد خانوار ۲۹۳۵۵۰ می‌باشد. از این جمعیت ۶۹۸۰۱۴ نفر در مناطق شهری ساکن بوده و ۲۲۰۴۳۱ نفر در مناطق روستایی ساکن هستند. به بیانی دیگر ۶۰/۳۵ درصد از جمعیت شهرستان رشت طبق سرشماری عمومی نفوس و مسکن ساکن شهری بوده و ۳۹/۶۵ درصد ساکن مناطق روستایی هستند. این شهرستان از سه ناحیه ساحلی، جلگه‌ای و پای کوهی تشکیل شده است و در دو ناحیه متفاوت از ۲۶/۵- متر در ساحل دریایی خزر تا ۷۶۰ متر در حوالی نره سر و دیزکوه ارتفاع دارد. قسمت شرقی ناحیه منطبق بر بستر فعال سفیدرود، شاخه‌های فرعی آن و قسمت غربی ناحیه منطبق بر دشت و شمال آن به ساحل خزر وصل شده است (Guilan book, 2006:479).



شکل ۱. موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

یافته‌ها و بحث

به طور کلی مباحث مربوط به شاخص‌های مسکن دیر زمانی نیست که ذهن صاحب نظران و متخصصان را به خود معطوف داشته است. شاخص‌های مسکن ابزاری برای اندازه‌گیری و سنجش وضع مسکن و روند تحول آن و ارزیابی میزان موفقیت سیاست‌ها و برنامه‌های مسکن محسوب می‌شوند. این شاخص‌ها از یک سو بیانگر وضعیت کمی و کیفی مسکن روستایی در هر مقطع زمانی بوده و از سوی دیگر راهنمایی مؤثر جهت بهبود بخشی برنامه‌ریزی مسکن برای آینده می‌باشد (Satarzadeh, 2009:58). انسان دو گونه رابطه با محیط مسکونی خود دارد. رابطه کمی، یعنی ارتباط کمی و عددی انسان از نظر استفاده از ابعاد مسکن و شماره یا افراد ساکن در آن، در این مورد صرفاً رابطه کمی انسان با مسکن سنجیده می‌شود. رابطه دوم، رابطه کیفی است که انسان با محیط فیزیکی یا مسکونی خود دارد، این شاخص‌ها مشخص کننده جنبه‌های کیفی انسان با مسکن است (Maleki, 2011:112). در اینجا به بررسی همین دو گونه ارتباط انسان با مسکن و ابزار سنجش این رابطه بنام شاخص‌های اجتماعی مسکن در مناطق روستایی شهرستان رشت پرداخته می‌شود. جنبه‌های شاخص‌های اجتماعی مسکن عبارتند از:

شاخص‌های اجتماعی مربوط به کمیت مسکن

یکی از شاخص‌هایی که می‌تواند سیمای کل مسکن روستایی را به نمایش بگذارد، تحلیل شاخص‌های کمی است. هدف‌های کلی مربوط به کمیت مسکن در سراسر جهان، یکی از موضوعات اساسی مورد نظر برنامه‌ریزان است و توجه به کمیت مسکن از این واقعیت ناشی می‌شود که در بسیاری از موارد مهاجرت‌های داخلی و رشد جمعیت از عوامل مؤثر در تعیین نیازهای مسکن است (Maleki, 2011:113). برای ارزیابی میزان کمیت مسکن شاخص‌های زیر را می‌توان نام برد:

- تراکم خانوار در واحد مسکونی

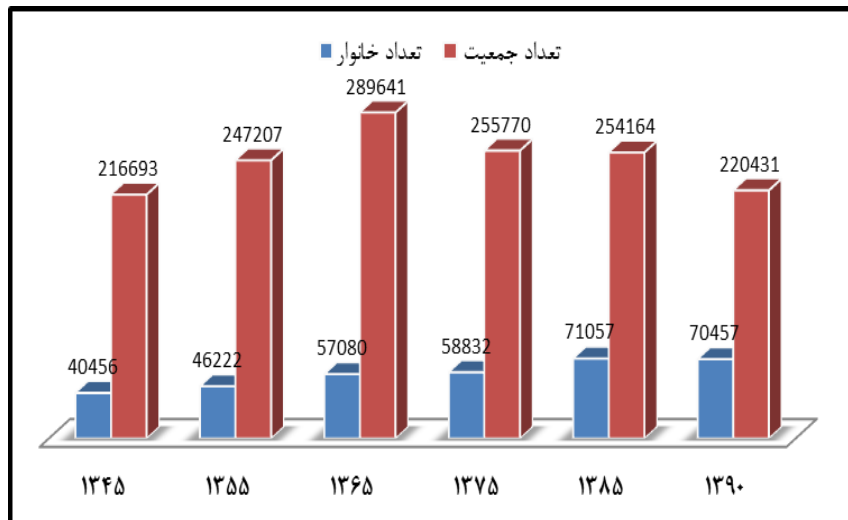
معمول‌ترین شاخص در برآورد کمبود تعداد واحدهای مسکونی می‌باشد. شاخص‌های تراکم خانوار در واحدهای مسکونی نشان‌دهنده کفایت و یا کمبود تعداد واحدهای مسکونی موجود در رابطه با تعداد خانوارهای موجود است. شاخص تراکم ۱ به منزله وجود شرایط ایده آل و عدم کمبود مسکن است و شاخص ۱ به معنای این است که در مقابل هر ۱۰۰ خانوار ۱۰۰ واحد مسکونی وجود دارد. هرچه این شاخص از عدد ۱ بیشتر شود، نشان‌دهنده شدت کمبود مسکن است. همان‌طور که در جدول (۲) مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۴۵ در مناطق روستایی شهرستان رشت، ۴۰۴۵۶ خانوار ساکن بوده و درحالی‌که تعداد واحدهای مسکونی آن برابر با ۳۲۰۲۳ واحد ذکر شده‌اند و این رقم نشان‌دهنده آن است که در برابر هر ۱۰۰ واحد مسکونی در مناطق روستایی ۱۲۶ خانوار وجود داشته است. در سال ۱۳۵۵ واحد مسکونی به ۴۶۲۲۲ در برابر ۳۸۴۷۶ خانوار رسیده یا به عبارتی ۱۲۰ خانوار در برابر ۱۰۰ واحد مسکونی که بهبود نسبی یافته است. در سال ۱۳۶۵ تعداد خانوار در مناطق روستایی شهرستان رشت ۵۷۰۸۰ مورد گزارش شده است درحالی‌که تعداد واحدهای مسکونی آن ۴۹۶۵۴ واحد بوده یعنی ۱۱۵ خانوار در برابر ۱۰۰ واحد مسکونی که این امر نشان‌دهنده کاهش تعداد خانوار در واحد مسکونی نسبت به سال‌های گذشته است. در سال ۱۳۷۵ تعداد خانوارها ۵۸۸۳۲ نفر در برابر ۵۱۴۲۴ واحد مسکونی بوده و این به معنای ۱۱۴ خانوار در برابر ۱۰۰ واحد مسکونی است. در سال ۱۳۸۵ در مناطق روستایی شهرستان رشت ۷۱۰۵۷ خانوار ساکن بوده‌اند و ۶۱۷۵۸ واحد مسکونی ثبت شده که نشان‌دهنده ۱۱۵ خانوار در ۱۰۰ واحد مسکونی می‌باشد و نهایتاً در سال ۱۳۹۰، تعداد خانوارها ۷۰۴۵۷ نفر در برابر ۶۳۴۴۹ واحد مسکونی گزارش شده است که نشان‌دهنده ۱۱۱ خانوار در برابر ۱۰۰ واحد مسکونی است. بنابراین تغییرات شاخص تراکم خانوار در واحد مسکونی مناطق روستایی شهرستان رشت، در سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ به سمت شرایط متعادل‌تر و مطلوب‌تر رسیده و در سال ۱۳۹۰ این شاخص برابر با

۱/۱۱ نفر در واحد مسکونی بوده که در مقایسه با شاخص تراکم خانوار کل کشور در همان سال که ۱/۱ بوده بسیار نزدیک است. عوامل مؤثر در کاهش این شاخص در روستاهای شهرستان، کاهش زندگی‌های چند خانواری رایج در گذشته، افزایش سطح استقلال و سطح رفاه و درآمد روستاییان هست.

جدول ۲. شاخص تراکم خانوار در مناطق روستایی شهرستان رشت (۱۳۴۵-۹۰)

شرح	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
تعداد خانوار	۴۰۴۵۶	۴۶۲۲۲	۵۷۰۸۰	۵۸۸۳۲	۷۱۰۵۷	۷۰۴۵۷
تعداد واحد مسکونی	۳۲۰۲۳	۳۸۴۷۶	۴۹۶۵۴	۵۱۴۲۴	۶۱۷۵۸	۶۳۴۴۹
تراکم خانوار در واحد مسکونی	۱/۲۶	۱/۲۰	۱/۱۵	۱/۱۴	۱/۱۵	۱/۱۱

منبع: سرشماری‌های نفوس و مسکن شهرستان رشت، سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰



شکل ۲. تعداد خانوار و تعداد جمعیت مناطق روستایی شهرستان رشت (۱۳۴۵-۹۰)

- تراکم نفر در واحد مسکونی

شاخص تراکم نفر در واحد مسکونی، متوسط تعداد افراد در یک واحد مسکونی را نشان می‌دهد. این شاخص وضعیت رفاه خانوارها را از نظر فضاهای مسکونی نشان می‌دهد. این شاخص از تقسیم تعداد جمعیت خانوارهای معمولی ساکن به تعداد کل واحدهای مسکونی به دست می‌آید. این شاخص بیانگر میزان تراکم نفر در واحد مسکونی است. مطالعات بسیاری نشان داده‌اند که رابطه قوی بین فقر محلات، تراکم بالای جمعیت در واحدهای مسکونی و ناهنجاری و جرم وجود دارد (Saremi & Ebrahimipor, 2012:93). همان‌گونه که در جدول (۳) مشاهده می‌شود، این شاخص در مناطق روستایی شهرستان رشت در سال ۱۳۴۵ رقم ۶/۷۶ نفر در هر واحد مسکونی بوده است. در سال ۱۳۵۵ تراکم نفر در واحدهای مسکونی در این مناطق به ۶/۴۲ نفر رسیده و در سال‌های ۱۳۶۵، ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به ترتیب به ۵/۸۳، ۴/۹۷ و ۴/۱۱ نفر کاهش یافته است. و بنابراین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰، شاخص تراکم نفر در واحد مسکونی در مناطق روستایی شهرستان رشت به ۳/۴۷ نفر کاهش یافته است. این آمار نشان‌دهنده وضعیت مطلوب‌تر نسبت به سال‌های گذشته است. هم‌چنین در مقایسه با میانگین تراکم نفر در واحدهای مسکونی روستایی کل کشور که برابر با ۴/۹۱ نفر است، در شرایط مطلوب‌تر و بهتری قرار دارد. قابل ذکر است که با توجه به جدول (۲)، بعد خانوار از ۵/۳۵

در سال ۱۳۴۵ به ۳/۱۲ نفر در سال ۱۳۹۰ کاهش پیدا کرده است. کاهش بعد خانوار، کاهش جمعیت و افزایش مهاجرت از روستا از عوامل مؤثر در کاهش این شاخص نسبت به گذشته می‌باشد.

جدول ۳. تحولات جمعیتی و شاخص تراکم نفر در مناطق روستایی شهرستان رشت (۹۰-۱۳۴۵)

شرح	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
تعداد جمعیت	۲۱۶۶۹۳	۲۴۷۲۰۷	۲۸۹۶۴۱	۲۵۵۷۷۰	۲۵۴۱۶۴	۲۲۰۴۳۱
تعداد خانوار	۴۰۴۵۶	۴۶۲۲۲	۵۷۰۸۰	۵۸۱۳۲	۷۱۰۵۷	۷۰۴۵۷
نرخ بعد خانوار	۵/۳۵	۵/۳۴	۵/۰۷	۴/۳۴	۳/۵۷	۳/۱۲
تعداد واحدهای مسکونی	۳۲۰۲۳	۳۸۲۷۶	۴۹۶۵۴	۵۱۴۲۴	۶۱۷۵۸	۶۳۴۴۹
تراکم نفر در واحد مسکونی	۶/۷۶	۶/۴۲	۵/۸۳	۴/۹۷	۴/۱۱	۳/۴۷

منبع: سرشماری‌های نفوس و مسکن شهرستان رشت، سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰

- تراکم نفر در اتاق

این شاخص تعداد افراد را در مقابل هر اتاق نشان می‌دهد. این نسبت غالباً بزرگ‌تر از یک است و هرچه اندازه آن کوچک‌تر شود نشانه استقلال بیشتر افراد خانوارها در داخل واحد مسکونی است. این شاخص یکی از شاخص‌های مهم بخش کیفیت زندگی محسوب می‌شود که توسط کمیته بحران جمعیت سازمان ملل به کار گرفته شده است (Ziari & Zarafshan, 2006:91). با بررسی این شاخص در مناطق روستایی شهرستان رشت می‌توان گفت که این شاخص در سال ۱۳۴۵، ۳/۳ نفر در اتاق بوده در حالی که در سال ۱۳۹۰، ۲/۲ نفر در هر اتاق رسیده است.

جدول ۴. شاخص تراکم نفر در مناطق روستایی شهرستان رشت (۹۰-۱۳۴۵)

۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
۳/۳	۳/۲	۳/۶	۲/۸	۲/۵	۲/۲

منبع: سرشماری‌های نفوس و مسکن شهرستان رشت، سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰

- تراکم اتاق در واحد مسکونی

افزایش متوسط تعداد اتاق در واحد مسکونی فارغ از اینکه هر واحد سکونتی چند خانوار ساکن باشند، نشانگر بهبود رفاه زیستی ساکنان آن می‌تواند باشد. اگرچه این شاخص نمی‌تواند جزء شاخص‌های تراکم در واحد مسکونی محسوب شود ولی می‌تواند عامل مهمی در برآورد شاخص‌های تراکم تلقی شود (Maleki, 2011:114). طبق جدول (۵)، تراکم اتاق در واحد مسکونی در سال ۱۳۴۵، ۲ اتاق بوده که این رقم در سال ۱۳۵۵ به ۲/۱ اتاق ارتقاء یافته و در سال ۱۳۹۰ به ۲ اتاق در هر واحد مسکونی رسیده است.

جدول ۵. تراکم اتاق در مناطق روستایی شهرستان رشت (۹۰-۱۳۴۵)

۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰
۲	۲/۱	۱/۹۵	۲/۲	۲/۱	۲

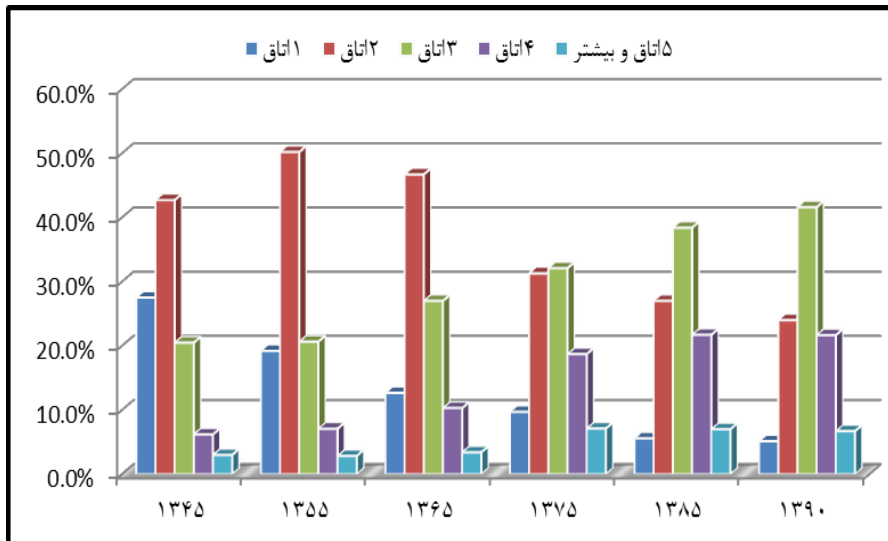
منبع: سرشماری‌های نفوس و مسکن شهرستان رشت، سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰

هم‌چنین با توجه به جدول (۶)، درصد واحدهای مسکونی دارای یک اتاق در سال ۱۳۴۵ برابر با ۲۷/۵۸ درصد بوده که این میزان در سال ۱۳۹۰ به ۵/۱۳ درصد کاهش یافته است. درصد واحدهای مسکونی دارای دو اتاق در سال ۱۳۴۵ برابر با ۴۲/۷ درصد بوده که در سال ۱۳۹۰ به ۲۳/۹۷ درصد نزول پیدا کرده است. درصد واحدهای مسکونی دارای سه اتاق، ۲۰/۵ درصد در سال ۱۳۴۵ و ۴۱/۶ درصد در سال ۱۳۹۰ بوده است. هم‌چنین درصد واحدهای مسکونی دارای چهار اتاق از ۶/۲ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۲۱/۶۷ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. بنابراین با توجه به روند تغییرات تعداد اتاق‌های واحدهای مسکونی شاهد افزایش میزان استقلال افراد خانوارها در داخل واحدهای مسکونی مناطق روستایی شهرستان رشت هستیم که نشان از وضعیت مطلوب‌تر و مناسب‌تری نسبت به ادوار گذشته می‌باشد.

جدول ۶. توزیع واحدهای مسکونی برحسب تعداد اتاق (۹۰-۱۳۴۵)

شرح	۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵		۱۳۹۰	
	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
یک اتاق	۲۷/۵۸	۸۸۲۳	۱۹/۲۲	۷۳۹۳	۱۲/۶۷	۶۲۸۹	۹/۷	۴۸۶۷	۵/۶	۳۴۵۲	۵/۱۳	۳۲۵۳
دو اتاق	۴۲/۷	۱۳۶۷۵	۵۰/۲	۱۹۳۱۸	۴۶/۷	۲۳۱۸۸	۳۱/۳	۱۶۰۹۸	۲۶/۹	۱۶۶۲۶	۲۳/۹۷	۱۵۲۰۸
سه اتاق	۲۰/۵۲	۶۵۷۳	۲۰/۶۵	۷۹۴۲	۲۶/۹	۱۳۳۵۳	۳۲/۴	۱۶۶۷۳	۳۸/۴	۲۳۷۰۴	۴۱/۶	۲۶۳۸۸
چهار اتاق	۶/۲	۱۹۸۳	۷/۰۸	۲۷۲۴	۱۰/۲۸	۵۱۰۶	۱۸/۷۳	۹۶۳۰	۲۱/۷۶	۱۳۴۳۸	۲۱/۶۷	۱۳۷۵۲
پنج اتاق	۱/۶	۵۱۵	۱/۶۵	۶۳۴	۲/۵۳	۱۲۵۵	۵/۶	۲۸۷۸	۵/۷۵	۳۵۵۴	۵/۳۷	۳۴۱۱
شش اتاق و بیشتر	۱/۴	۴۴۴	۱/۲	۴۶۵	-	۴۴۰	۰/۸۸	۷۶۴	۱/۳	۸۱۳	۱/۳۷	۸۷۲
اظهارنشده	-	-	-	-	۰/۰۴	۲۳	۰/۹۹	۵۱۴	۰/۲۸	۱۷۱	۰/۸۹	۵۶۵
جمع	۱۰۰	۳۲۰۲۳	۱۰۰	۳۸۴۷۶	۱۰۰	۴۹۶۵۴	۱۰۰	۵۱۴۲۴	۱۰۰	۶۱۷۵۸	۱۰۰	۶۳۴۴۹

منبع: سرشماری‌های نفوس و مسکن شهرستان رشت، سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰



شکل ۳. درصد توزیع واحدهای مسکونی برحسب تعداد اتاق (۹۰-۱۳۴۵)

- تراکم واحدهای مسکونی برحسب خانوار

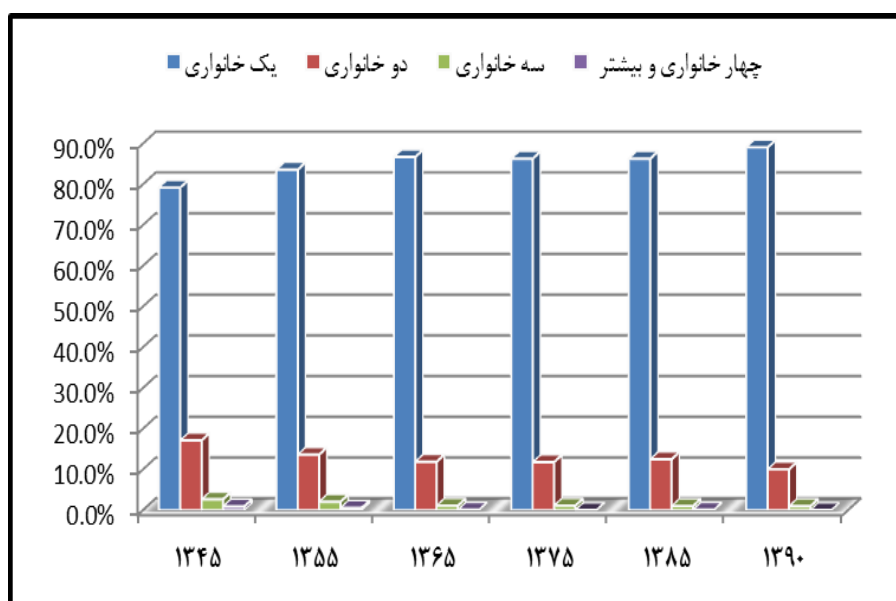
توزیع واحدهای مسکونی برحسب خانوارهای ساکن نیز حکایت از بهتر شدن نحوه سکونت در سطح مناطق روستایی شهرستان رشت دارد. همان‌گونه که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، در سال ۱۳۴۵ نسبت واحدهای تک خانواری در

مناطق روستایی شهرستان ۷۹/۲۵ درصد بوده که ده سال بعد یعنی سال ۱۳۵۵، ۸۶/۶۵ درصد واحدهای مسکونی این مناطق تنها یک خانوار زندگی می‌کردند. این میزان در سال ۱۳۶۵ به ۸۶/۷ و در سال ۱۳۷۵ به ۸۶/۳۴ درصد و در سال ۱۳۸۵ نیز ۸۶/۳۴ درصد بوده و نهایتاً در سال ۱۳۹۰ به ۸۹/۰۸ درصد رسیده است. افزایش واحدهای مسکونی تک خانواری و کاهش واحدهای مسکونی دو خانواری، سه خانواری و چهار خانواری و بیشتر، نشان از این دارد که به مرور زمان میل به جدا شدن از خانواده و زندگی مستقل بیشتر شده و به تدریج فرهنگ زیستی مناطق روستایی که بر پایه زندگی چند خانواری یا چند هسته‌ای بوده، تغییر پیدا کرده است. افزایش هر چه بیشتر این شاخص نشان از بهبود وضعیت مسکن می‌باشد. نسبت واحدهای مسکونی که در آن‌ها دو خانوار وجود داشتند، مطابق جدول (۷)، در مناطق روستایی شهرستان رشت از رقم ۱۷/۱۵ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۳/۶۵ درصد در سال ۱۳۵۵ رسیده است. در سال ۱۳۶۵ به ۱۱/۹۸ درصد و در سال ۱۳۷۵ به ۱۱/۸۲ درصد و در سال ۱۳۸۵ به ۱۲/۵۳ درصد و نهایتاً در سال ۱۳۹۰ به ۱۰/۰۵ درصد رسیده است. هم‌چنین نسبت واحدهای مسکونی سه خانواری و چهار خانواری و بیشتر به ترتیب از ۲/۶۷ درصد و ۰/۹۳ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۰/۶۸ درصد و ۰/۰۴ درصد در سال ۱۳۹۰ کاهش پیدا کرده است.

جدول ۷. توزیع واحدهای مسکونی مناطق روستایی شهرستان رشت برحسب تعداد خانوار (۱۳۴۵-۹۰)

شرح	۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵		۱۳۹۰	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
یک خانواری	۲۵۳۷۷	۷۹/۲۵	۳۲۱۸۵	۸۳/۶۵	۴۳۰۵۲	۸۶/۷	۴۴۴۰۲	۸۶/۳۴	۵۲۳۲۱	۸۶/۳۴	۵۶۵۲۵	۸۹/۰۸
دو خانواری	۵۴۹۳	۱۷/۱۵	۵۲۵۴	۱۳/۶۵	۵۹۴۹	۱۱/۹۸	۶۰۸۰	۱۱/۸۲	۷۷۳۹	۱۲/۵۳	۶۳۸۰	۱۰/۰۵
سه خانواری	۸۵۴	۲/۶۷	۸۰۶	۲/۰۹	۵۶۲	۱/۱۳	۵۸۷	۱/۱۴	۶۳۵	۱/۰۳	۴۳۲	۰/۶۸
چهار خانواری و بیشتر	۲۹۹	۰/۹۳	۲۳۱	۰/۶	۵۹	۰/۱۱	۳۳	۰/۰۶	۶۳	۰/۱	۲۵	۰/۰۴
اظهارنشده	-	-	-	-	۳۲	۰/۰۶	۳۲۲	۰/۶۲	-	-	۸۷	۰/۱۴
جمع واحدهای مسکونی	۳۲۰۲۳	۱۰۰	۳۸۴۷۶	۱۰۰	۴۹۶۵۴	۱۰۰	۵۱۴۲۴	۱۰۰	۶۱۷۵۸	۱۰۰	۶۳۴۴۹	۱۰۰

منبع: سرشماری‌های نفوس و مسکن شهرستان رشت، سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰



شکل ۴. درصد توزیع واحدهای مسکونی برحسب تعداد خانوار (۱۳۴۵-۹۰)

شاخص‌های اجتماعی مربوط به کیفیت مسکن

کیفیت مسکن رابطه مستقیمی با توان مالی و درآمد مردم دارد و هر چه کیفیت مسکن در وضع مطلوبی قرار داشته باشد، رفاه مردم، ایمنی و شرایط زندگی بهتر برای آن‌ها فراهم خواهد شد. برای تعیین و ارزیابی شاخص‌های اجتماعی کیفیت مسکن از شاخص‌هایی مثل عمر موجودی واحدهای مسکونی، میانگین سطح زیربنای واحدهای مسکونی، دوام مصالح مورد استفاده در واحدهای مسکونی و نحوه تصرف و مالکیت واحدهای مسکونی را مورد مطالعه قرار می‌دهند:

- میانگین سطح زیربنای واحد مسکونی

این شاخص بیانگر سطح متوسط واحدهای مسکونی است و گویای کل زیربنای موجود و احداثی در هر سال نیز است. به تعبیری دیگر متوسط فضای قابل سکونت واحد مسکونی است که این شاخص میزان کفایت فضای قابل سکونت را برای هر فرد می‌سنجد. پایین بودن مقدار میانگین سطح زیربنای واحد مسکونی نشانه‌ای از تراکم نامطلوب سکونتی است (Maleki, 2011:115). این شاخص با میزان سطح درآمد و توسعه یافتگی کشور رابطه‌ی مستقیم دارد و از جمله شاخص‌های کلیدی در شناخت وضعیت مسکن است.

با توجه به جدول (۸)، در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰ در مناطق روستایی شهرستان رشت، بیشترین واحدهای مسکونی را واحدهای مسکونی با مساحت زیربنای ۵۱ تا ۷۵ مترمربع تشکیل داده‌اند که سهم سال ۱۳۸۵، برابر ۳۲/۱ و سال ۱۳۹۰ برابر ۳۹/۱۶ درصد از واحدهای مسکونی بوده است. بعد از آن واحدهای مسکونی با مساحت زیربنای ۸۱ تا ۱۰۰ مترمربع هستند که در سال ۱۳۸۵ معادل ۲۳/۹ درصد و در سال ۱۳۹۰ معادل ۲۱/۹ درصد از واحدهای مسکونی را تشکیل داده‌اند. همچنین بر اساس آمار به دست آمده واحدهای مسکونی با مساحت زیربنای ۱۵۱ تا ۲۰۰ مترمربع و ۲۰۰ مترمربع بیشتر در سال ۱۳۸۵ به ترتیب ۱/۲ درصد و ۰/۶۲ درصد و در سال ۱۳۹۰ به ۰/۳۲ درصد و ۰/۲۶ درصد کاهش یافته است و کمترین درصدها را از واحدهای مسکونی در این مناطق شامل می‌شوند. پایین بودن توان مالی و سطح درآمد مردم، گرانی و بالا بودن هزینه مصالح و ساخت مسکن، افزایش روزافزون قیمت زمین و... از جمله عوامل پایین بودن سطح زیربنای واحدهای مسکونی در مناطق روستایی شهرستان رشت است. چنانچه که مشاهده می‌شود حدود نیمی از واحدهای مسکونی در این مناطق، بین ۵۱ تا ۷۵ مترمربع مساحت دارند. هر چه این شاخص به سمت پایین گرایش داشته باشد نشان‌دهنده‌ی تراکم نامطلوب سکونتی است.

جدول ۸. میانگین سطح زیربنای واحدهای مسکونی در مناطق روستایی شهرستان (۹۰-۱۳۸۵)

سال		سال		سطح زیربنا
۱۳۹۰	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۸۵	
درصد	تعداد	درصد	تعداد	
۱۰/۵	۶۶۶۷	۱۱/۷	۷۲۲۱	۵۰ مترمربع و کمتر
۳۹/۱۶	۲۴۸۴۹	۳۲/۱	۱۹۸۲۴	۵۱-۷۵ مترمربع
۱۷/۷۸	۱۱۲۸۰	۱۷/۲۳	۱۰۶۴۲	۷۶-۸۰ مترمربع
۲۱/۹	۱۳۸۹۸	۲۳/۹	۱۴۷۵۸	۸۱-۱۰۰ مترمربع
۹/۲۴	۵۸۶۵	۱۳/۵۵	۸۳۶۴	۱۰۱-۱۵۰ مترمربع
۰/۶۲	۳۹۶	۱/۲	۷۴۹	۱۵۱-۲۰۰ مترمربع
۰/۲۶	۱۶۶	۰/۳۲	۲۰۰	۲۰۱ مترمربع و بیشتر
۰/۵۲	۳۲۸	-	-	اظهاری نشده
۱۰۰	۶۳۴۴۹	۱۰۰	۶۱۷۵۸	جمع واحدهای مسکونی

منبع: سرشماری‌های نفوس و مسکن شهرستان رشت، طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰

- دوام مصالح ساختمانی

یکی از عوامل مهم که در دوام و آسیب‌پذیری ساختمان‌های روستایی نقش به‌سزایی دارد، کیفیت مصالح ساختمانی است. اغلب روستاییان به دلیل مشکلات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اقلیمی ناگزیرند برای ساختمان‌سازی از همان مصالحی که در محل موجود است استفاده نمایند (Bahrami, 2011:35). طبق تعریف مرکز آمار ایران طبقه‌بندی واحدهای مسکونی برحسب دوام مصالح به شرح زیر تعریف شده است:

۱. مصالح بادوام شامل اسکلت فلزی یا اسکلت بتونی، آجر و آهن، سنگ و آهن.

۲. مصالح نیمه بادوام شامل آجر چوب، سنگ و چوب، بلوک سیمانی، تمام آجر.

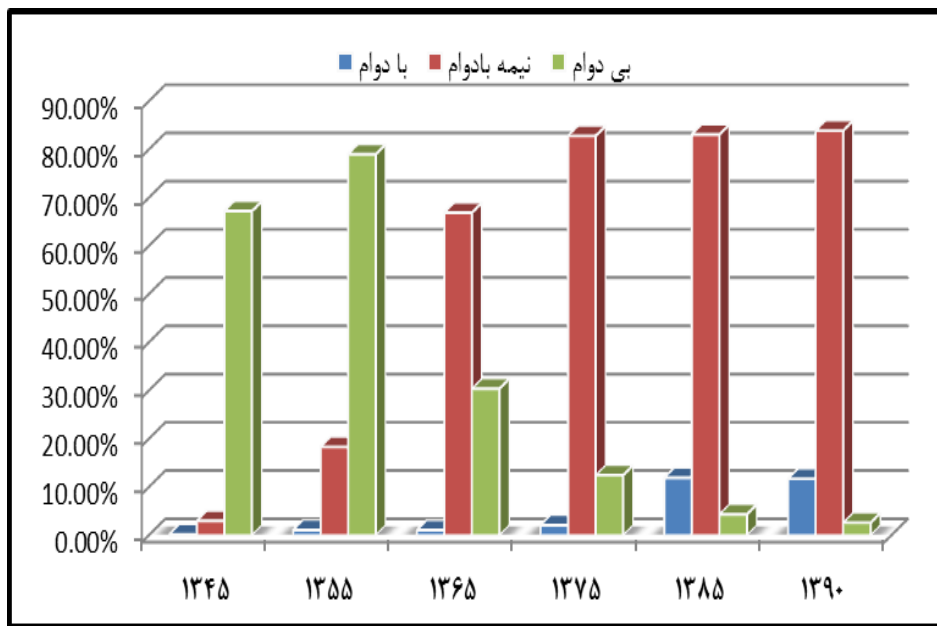
۳. مصالح کم‌دوام شامل تمام چوب، خشت و گل، خشت و چوب است (Maleki, 2011:114).

با توجه به جدول (۹)، واحدهای مسکونی با مصالح کم‌دوام در سال ۱۳۴۵ برابر ۶۷/۲ درصد واحدهای مسکونی را تشکیل می‌داد که این رقم در سال ۱۳۵۵ به ۷۹، سال ۱۳۶۵ به ۳۰/۴، سال ۱۳۷۵ به ۱۲/۴۵، سال ۱۳۸۵ به ۴/۳۴ و نهایتاً در سال ۱۳۹۰ به ۲/۶ درصد کاهش یافته است. همچنین با توجه به جدول (۹)، واحدهای مسکونی با مصالح بادوام به تدریج افزایش یافته به طوری که در سال ۱۳۴۵ درصد واحدهای مسکونی با مصالح بادوام، ۰/۱۹ درصد گزارش شده که در سال ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ به ترتیب به ۱/۰۸ و ۱/۰۴ درصد رسیده است. همچنین این رقم در سال ۱۳۷۵ برابر با ۲/۰۹ درصد بوده که در سال ۱۳۸۵ به ۱۱/۹ و در سال ۱۳۹۰ به ۱۱/۷۳ درصد رسیده است. بنابراین کیفیت مصالح واحدهای مسکونی مناطق روستایی شهرستان رشت از لحاظ کیفیت و دوام مصالح رو به رشد بوده و نسبت به سال‌های قبل در شرایط مناسب‌تری قرار دارد اما باز هم این آمار گواه آن است که هنوز بیشتر واحدهای مسکونی در مناطق روستایی این شهرستان از مصالح نیمه بادوام هستند. در سال ۱۳۴۵ واحدهای مسکونی با مصالح نیمه بادوام برابر با ۲/۹۸ درصد گزارش شده که این میزان در سال ۱۳۹۰ به ۸۳/۸۹ درصد رسیده است. بنابراین بیشتر واحدهای مسکونی در این منطقه با مصالح نیمه بادوام ساخته شده‌اند که نیازمند تمرکز و برنامه‌ریزی‌های بیشتری در این حیث می‌باشند.

جدول ۹. توزیع واحدهای مسکونی مناطق روستایی شهرستان رشت برحسب دوام مصالح (۹۰-۱۳۲۴۵)

سال		۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵		۱۳۹۰	
نوع مصالح		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
بادوام	اسکلت فلزی یا بتن آرمه، آجر و آهن یا سنگ و آهن	۶۳	۰/۱۹	۴۱۵	۱/۰۸	۵۱۸	۱/۰۴	۱۰۷۸	۲/۰۹	۷۳۵۶	۱۱/۹	۷۴۴۲	۱۱/۷۳
نیمه بادوام	آجر و چوب یا سنگ و چوب بلوک سیمانی تمام آجر	۹۵۴	۲/۹۸	۷۰۴۰	۱۸/۳	۳۳۲۳۰	۶۶/۹۳	۴۲۵۸۶	۸۲/۸	۵۱۳۱۳	۸۳/۰۸	۵۳۲۲۵	۸۳/۸۹
کم‌دوام (کم‌دوام)	خشت و گل یا خشت و چوب تمام چوب	۲۱۵۰۷	۶۷/۲	۳۰۳۹۷	۷۹	۱۵۱۰۶	۳۰/۴	۶۴۰۱	۱۲/۴۵	۲۶۸۲	۴/۳۴	۱۶۶۰	۲/۶
سایر (حصیر و...)		۹۴۹۹	۲۹/۶۷	۶۳۴	۱/۶۲	۵۶۵	۱/۱۳	۷۵۱	۱/۴۶	۱۶۷	۰/۲۷	۶۲۱	۰/۹۸
اظهار نشده		-	-	-	-	۲۳۵	۰/۴۷	۶۰۸	۱/۱۸	۲۴۰	۰/۳۹	۵۰۱	۰/۷۸
جمع واحدهای مسکونی		۳۲۰۲۳	۱۰۰	۳۸۴۷۶	۱۰۰	۴۹۶۵۴	۱۰۰	۵۱۴۲۴	۱۰۰	۶۱۷۵۸	۱۰۰	۶۳۴۴۹	۱۰۰

منبع: سرشماری‌های نفوس و مسکن شهرستان رشت، سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰



شکل ۵. درصد واحدهای مسکونی برحسب دوام مصالح ساختمان (۱۳۲۴۵-۹۰)

- خدمات و تسهیلات

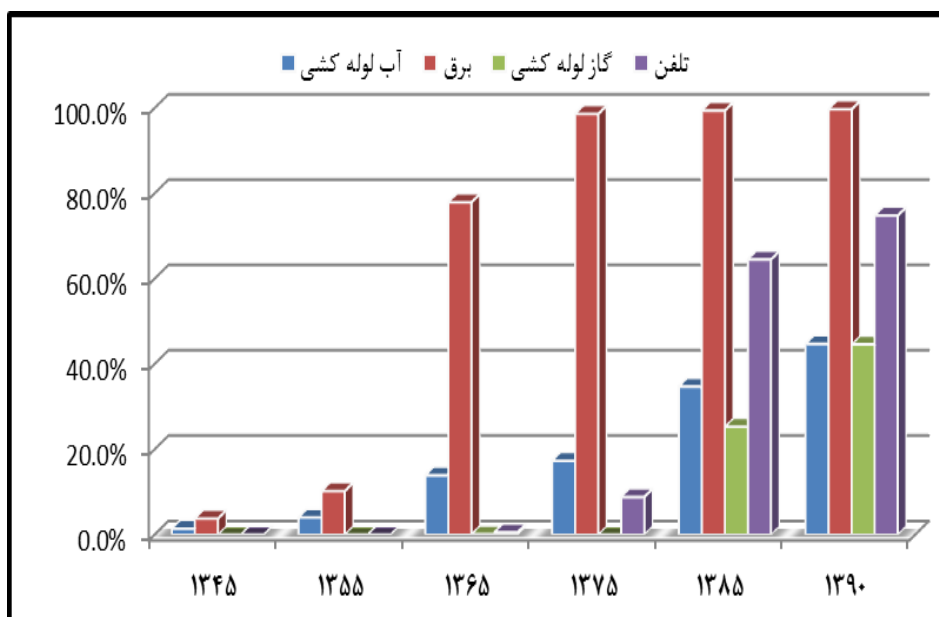
تسهیلات عمده مسکن یکی از شاخص‌های اصلی سنجش سطح زندگی محسوب می‌شود که توسط کمیته بحران جمعیت برای سنجش کیفیت درکلان شهرهای جهان به کار برده شده است (Ziari & Zarafshan, 2006:93). به تدریج که مسکن از حالت تک منظوری خارج و به جنبه سرپناه بودن آن جنبه‌های دیگری از رفاه و آسایش اجتماعی نیز اضافه می‌شود، حدود برخورداری از تسهیلات و تجهیزات ضروری زندگی نیز به صورت شاخص‌های جدیدی برای ارزیابی وضع واحدهای مسکونی در می‌آید (Saremi & Ebrahimipor, 2012:95).

با توجه به جدول (۱۰)، با توجه به سرشماری‌های نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ این‌گونه برداشت می‌شود که امکانات و تسهیلات واحدهای سکونت‌ی مناطق روستایی شهرستان رشت روند رو به رشدی را شاهد بوده است. به طوری که در سال ۱۳۷۵ واحدهای مسکونی برخوردار از تسهیلات رفاهی شامل آب لوله‌کشی و برق به ترتیب ۱۷/۳۳ و ۹۸/۶ درصد بوده که در سال ۱۳۸۵ این میزان به ترتیب ۳۴/۷ و ۹۹/۴ درصد شده و در سال ۱۳۹۰ به ۴۴/۷ و ۹۹/۷ درصد افزایش یافته است که نسبت به دهه گذشته، واحدهای مسکونی بیشتری از امکانات و تسهیلات رفاهی ذکر شده برخوردار شده‌اند. در سال ۱۳۷۵، ۸/۸۳ درصد از واحدهای مسکونی مناطق روستایی شهرستان رشت از تلفن ثابت برخوردار بوده‌اند که این میزان در سال ۱۳۹۰ به ۷۴/۸ درصد افزایش یافته است. همچنین در سال ۱۳۷۵، ۵۹/۱۱ درصد از واحدهای مسکونی دارای حمام و ۵۲/۴۵ درصد دارای آشپزخانه بوده‌اند که این میزان در سال ۱۳۹۰ به ترتیب ۹۵/۹۵ درصد و ۹۵ درصد گزارش شده است.

جدول ۱۰. نحوه برخورداری واحدهای مسکونی از تسهیلات سکونتی (۹۰-۱۳۲۴۵)

سال	۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵		۱۳۹۰	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
آبولوله‌کشی	۴۵۱	۱/۴	۱۵۴۹	۴/۰۲	۶۹۲۰	۱۳/۹	۸۹۱۳	۱۷/۳۳	۲۱۴۳۰	۳۴/۷	۲۸۳۶۵	۴۴/۷
برق	۱۲۰۶	۳/۷۷	۳۹۲۴	۱۰/۲۲	۳۸۶۹۸	۷۷/۹۴	۵۰۷۱۵	۹۸/۶	۶۱۳۹۶	۹۹/۴	۶۳۲۶۳	۹۹/۷
لوله‌کشی گاز	-	-	-	-	۵۷	۰/۱۱	-	-	۱۵۶۲۶	۲۵/۳	۲۸۲۸۴	۴۴/۵۸
تلفن ثابت	-	-	-	-	۲۷۴	۰/۵۵	۴۵۴۴	۸/۸۳	۳۹۸۶۳	۶۴/۵	۴۷۴۷۶	۷۴/۸
حمام	-	-	-	-	۱۶۴۸۲	۳۳/۲	۳۰۴۰۱	۵۹/۱۱	۵۴۰۵۵	۸۷/۵	۶۰۸۸۰	۹۵/۹۵
آشپزخانه	-	-	-	-	۱۳۲۴۶	۲۶/۶۷	۲۶۹۷۵	۵۲/۴۵	۵۴۲۲۶	۸۷/۶	۶۰۳۶۳	۹۵
توالت	-	-	-	-	۴۹۰۷۲	۹۸/۸	۵۱۱۳۷	۹۹/۴۵	۶۱۶۵۰	۹۹/۸	۶۳۰۸۸	۹۹/۴
سیستم فاضلاب	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-	-
کولر	-	-	-	-	۱۱۸	۰/۲۳	۱۱۰	۰/۲۱	-	-	-	-
جمع	۳۲۰۲۳	۱۰۰	۳۸۴۷۶	۱۰۰	۴۹۶۵۴	۱۰۰	۵۱۴۲۴	۱۰۰	۶۱۷۵۸	۱۰۰	۶۳۴۴۹	۱۰۰

منبع: سرشماری‌های نفوس و مسکن شهرستان رشت، سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰



شکل ۶. درصد برخورداری واحدهای مسکونی از تسهیلات (۹۰-۱۳۴۵)

مالکیت و نحوه تصرف

شاخص نحوه تصرف واحدهای مسکونی برحسب مالکیت و یا اجاره‌ای، از جمله شاخص‌های پایه در شناخت بخش مسکن از ابعاد اقتصادی و اجتماعی است (Saremi & Ebrahimipor, 2012: 97). با توجه به جدول (۱۱) در سال ۱۳۴۵، ۵۹/۲۵ درصد از خانوارهای ساکن در مناطق روستایی شهرستان رشت، مالک واحد مسکونی خود بوده‌اند. این نسبت در سال ۱۳۵۵ به ۸۴/۲ و در سال ۱۳۶۵ به ۸۹/۶۵ درصد رسیده است. این شاخص در سال ۱۳۷۵ به رقمی معادل ۸۳/۸۱ درصد، در سال ۱۳۸۵ به ۸۲/۷۸ درصد و نهایتاً در سال ۱۳۹۰ به ۷۹/۳۷ درصد کاهش یافته است. که این آمار نشان می‌دهد، درصد مالکیت واحدهای مسکونی ابتدا تا سال ۱۳۷۵ روند روبه‌رشدی داشته، اما در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰

کاهش یافته است. همچنین از سال ۱۳۴۵ الی ۱۳۹۰ میزان اجاره‌نشینی در این مناطق نیز کاهش یافته به طوری که تنها ۷/۹ درصد از خانوارهای ساکن در این مناطق در سال ۱۳۸۵ اجاره‌نشین بوده‌اند و در سال ۱۳۹۰ نیز ۷/۲ درصد از خانوارها در مناطق روستایی این شهرستان مستأجر بوده‌اند. همان‌گونه که در جدول (۱۰) مشاهده می‌شود، تعداد خانوارهایی که از واحدهای مسکونی رایگان استفاده کرده‌اند از ۱۰/۵ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۱۱/۸ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است.

جدول ۱۱. نحوه تصرف واحدهای مسکونی مناطق روستایی شهرستان رشت (۹۰-۱۳۴۵)

سال		۱۳۴۵		۱۳۵۵		۱۳۶۵		۱۳۷۵		۱۳۸۵		۱۳۹۰	
نحوه تصرف		درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد
ملکی		۵۹/۲۵	۳۸۹۱۷	۸۴/۲	۵۱۱۷۵	۸۹/۶۵	۵۱۱۷۵	۸۳/۸۱	۴۹۳۱۰	۵۸۸۲۷	۸۲/۷۸	۵۵۹۲۱	۷۹/۳۷
اجاره‌ای و رهنی		۲۹	۲۶۲۵	۵/۶۸	۱۶۹۱	۲/۹۷	۲۵۶۸	۴/۳۷	۲۵۶۸	۵۶۱۵	۷/۹	۵۰۶۷	۷/۲
مجانی و رایگان		۱۰/۵	۴۲۹۷	۹/۳	۳۴۰۳	۵/۹۶	۶۰۶۰	۱۰/۳	۶۰۶۰	۴۹۸۱	۷	۸۳۲۹	۱۱/۸
در برابر خدمات		-	-	-	-	۰/۷۳	۳۸۹	۰/۶۶	۳۸۹	۸۹۸	۱/۲۷	۴۸۵	۰/۶۹
سایر		۰/۲۱	۸۷	-	-	۰/۰۳	۱۴۷	۰/۲۵	۱۴۷	۴۹۷	۰/۷	۳۵۴	۰/۵
اظهاری نشده		۱/۰۴	۳۸۲	-/۸۲	۳۷۲	۰/۶۵	۳۷۲	۰/۶	۳۵۸	۲۴۰	۰/۳۴	۳۰۱	۰/۴۳
جمع		۱۰۰	۴۰۴۵۶	۱۰۰	۴۶۲۲۲	۱۰۰	۵۷۰۸۰	۱۰۰	۵۸۸۳۲	۷۱۰۵۸	۱۰۰	۷۰۴۵۷	۱۰۰

منبع: سرشماری‌های نفوس و مسکن شهرستان رشت، سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰

نتیجه‌گیری

شاخص‌های مسکن به عنوان شالوده اصلی یک برنامه جامع و ابزاری ضروری برای بیان ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی و کالبدی مسکن، از جایگاه ویژه‌ای در امر شناخت هرچه بیشتر وضعیت مسکن برخوردار هستند. در این مقاله با توجه به نقش شاخص‌های اجتماعی در برنامه‌ریزی مسکن به معرفی و بررسی شاخص‌های اجتماعی مسکن مناطق روستایی شهرستان رشت پرداخته شده و از لحاظ کمی و کیفی مورد مطالعه قرار گرفته است. از نظر شاخص تراکم خانوار در واحدهای مسکونی می‌توان گفت که این شاخص در مناطق روستایی شهرستان رشت از ۱/۲۶ خانوار در سال ۱۳۴۵ به ۱/۱۱ خانوار در سال ۱۳۹۰ کاهش یافته است. همچنین شاخص تراکم نفر در واحد مسکونی نیز از ۶/۷۶ نفر در هر واحد مسکونی در سال ۱۳۴۵ به ۴/۱۱ نفر در سال ۱۳۸۵ و ۳/۴۷ نفر در هر واحد مسکونی در سال ۱۳۹۰ رسیده که گویای کاهش این شاخص طی سال‌های گذشته است.

در ارتباط با برخورداری از تسهیلات و امکانات زیرساختی، واحدهای مسکونی مناطق روستایی شهرستان رشت روند رو به رشدی را شاهد بوده‌اند و اکثریت واحدهای مسکونی از تسهیلات لازم بهره‌مند می‌باشند. اما متأسفانه بعضی از تسهیلات مثل گاز لوله‌کشی و سیستم فاضلاب درصد کمی از واحدهای مسکونی این مناطق را شامل می‌شوند که نیازمند مطالعه و برنامه‌ریزی بیشتر در این زمینه احساس می‌شود. استفاده از مصالح ساختمانی بادوام در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال‌های گذشته رشد چشمگیری داشته، به طوری که درصد واحدهای مسکونی با مصالح بادوام در سال ۱۳۴۵، ۰/۱۹ درصد بوده که این میزان به ۱۱/۷ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. با توجه به آمار، ۸۹/۰۸ درصد از واحدهای مسکونی در سال ۱۳۹۰ تک خانواری بوده و ۱۰/۰۵ درصد از واحدهای مسکونی دو خانواری بوده‌اند که این نشان از تک خانواری شدن واحدهای مسکونی و کاهش زندگی‌های جمعی و چند خانواری در مناطق روستایی این شهرستان دارد.

از طرفی دیگر درصد واحدهای مسکونی که از مصالح کم‌دوام استفاده کرده‌اند کاهش یافته، به گونه‌ای که ۶۷/۲ درصد از واحدهای مسکونی در سال ۱۳۴۵ از مصالح کم‌دوام بوده‌اند که این میزان در سال ۱۳۹۰ تنها ۲/۶ درصد بوده است که این آمار گواه آن است که واحدهای مسکونی مناطق روستایی شهرستان رشت نسبت به سال‌های گذشته به وضعیت مناسب‌تر و مطلوب‌تری رسیده است. اما متأسفانه در سال ۱۳۹۰ بیشتر واحدهای مسکونی در این مناطق را واحدهای مسکونی با مصالح نیمه بادوام تشکیل داده‌اند. ۸۳/۸۹ درصد از واحدهای مسکونی در سال ۱۳۹۰ از مصالح نیمه بادوام بوده‌اند که این آمار در سال ۱۳۴۵ برابر ۲/۹۸ درصد گزارش شده است. از نظر شاخص مالکیت و نحوه تصرف واحدهای مسکونی، می‌توان گفت که حدود ۸۰ درصد از ساکنان این مناطق در سال ۱۳۹۰ مالکیت عرصه و اعیان داشته‌اند و هم‌چنین بر اساس شواهد میزان اجاره نشینی نیز نسبت به سال‌های گذشته کاهش یافته به طوری که در سال ۱۳۴۵، ۲۹ درصد از خانوارها اجاره‌نشین بوده‌اند که این آمار به ۷/۲ درصد در سال ۱۳۹۰ رسیده است. بنابراین طبق بررسی‌های صورت گرفته طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰، از لحاظ شاخص‌های کمی و کیفی اجتماعی مسکن روستایی در مناطق روستایی شهرستان رشت، روند رو به رشدی را شاهد بوده‌ایم و ارقام گواه آن هستند که وضعیت مسکن روستایی شهرستان رشت از لحاظ شاخص‌های اجتماعی در وضعیت مناسب‌تر و مطلوب‌تری نسبت به گذشته قرار دارند. هم‌چنین نتایج تحقیق حاضر با نتایج پژوهش‌های عموزاده و همکاران، نوری و علوی از لحاظ اینکه شاخص‌هایی کمی و کیفی نسبت به گذشته تغییرات چشمگیری داشته اما کماکان کاستی‌هایی وجود دارد، مطابقت دارد.

با توجه به اینکه کماکان کاستی‌ها و معضلات فراوانی را در این مناطق شاهد هستیم برای کمک به بهینه شدن وضعیت مسکن از لحاظ شاخص‌های کمی و کیفی، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌شود:

- با توجه به اینکه بیشتر واحدهای مسکونی با استفاده از مصالح نیمه بادوام هستند، کاهش هزینه‌های مصالح و ملزومات و هم‌چنین دادن وام‌های کم‌بهره به خصوص به اقشار کم‌درآمد، می‌تواند برای بهبود بخشیدن کیفیت مسکن در این مناطق بسیار مؤثر باشد.

- سرمایه‌گذاری مشترک بخش خصوصی و دولتی در امر بهسازی و نوسازی مسکن روستایی، از آنجایی که بیشترین واحدهای مسکونی در مناطق روستایی شهرستان رشت با مصالح نیمه بادوام بوده و نیازمند بهسازی و نوسازی می‌باشند.

- دادن اعتبارات بلاعوض یا کم‌بهره و واگذار کردن زمین‌های ارزان قیمت به خانوارهای کم‌درآمد به منظور جلب روستاییان فقیر و با سطح درآمد پایین برای ساخت مسکن مطابق با استانداردهای لازم و باکیفیت بالا.

- برنامه‌ریزی برای مسکن روستایی در ایران به مانند آنچه تحت عنوان برنامه‌ریزی مسکن شهری صورت می‌گیرد، چندان عمومیت نداشته و مورد بررسی و مطالعه قرار نگرفته است، از این رو تهیه طرح جامع مسکن روستایی و اجرایی نمودن آن ضروری به نظر می‌رسد.

- با توجه به نبود سیستم فاضلاب روستایی در بخش خدمات و تسهیلات واحدهای مسکونی در این مناطق، توجه به این مهم بسیار ضروری به نظر می‌رسد زیرا روستاها از لحاظ آلودگی در معرض خطر بیشتری می‌باشند.

- با توجه به اینکه در طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۰ میزان نرخ بعد خانوار در مناطق روستایی شهرستان رشت کاهش یافته و به دنبال آن باعث بهتر شدن وضعیت شاخص‌های کمی و کیفی در این مناطق شده است از این رو کاهش بعد خانوارها همگام با سیاست ساخت مسکن اجتماعی و حمایت‌شده تا حدودی از رفع مشکل کمبود مسکن می‌کاهد و وضعیت مسکن از لحاظ شاخص‌های اجتماعی را بهبود می‌بخشد.

- با توجه به اینکه در سال ۱۳۹۰ نیمی از واحدهای مسکونی در مناطق روستایی شهرستان رشت از نعمت گاز لوله‌کشی و آب لوله‌کشی بی‌بهره و محروم بوده‌اند از این رو، رفع این مشکل باید در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌های به کار رفته در اولویت قرار بگیرد.

منابع

۱. احمدی، معصومه. (۱۳۸۹). ارزیابی کیفیت زندگی شهری با تأکید بر شاخص‌های اجتماعی مسکن (مطالعه موردی: شهر ساری). پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری. دانشگاه پیام نور ساری.
۲. اصلاح عربانی، ابراهیم. (۱۳۸۷). کتاب *گیلان (شهرستان‌های گیلان)*، جلد ۴، رشت: گروه پژوهشگران ایران.
۳. بدری، سیدعلی و موسوی، سیروس. (۱۳۸۹). تحلیلی بر روند تغییرات برخی ویژگی‌های مسکن روستایی در ایران. مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافی‌دانان جهان اسلام، زاهدان.
۴. بسحاق، محمدرضا؛ سالارند، اسماعیل و تبریزی، جلال. (۱۳۹۳). تحلیلی بر شاخص‌های پایداری مسکن در مناطق روستایی (مطالعه موردی: دهستان سیلاخور شرقی، شهرستان ازنا). فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، ۲۵(۲)، ۱۹۱-۲۰۸.
۵. بهرامی، رحمت‌الله. (۱۳۸۹). تحلیلی بر وضعیت مسکن روستایی استان کرمانشاه و رهیافت‌هایی بررسی مقام سازی. فصلنامه جغرافیا و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۱(۲)، ۶۳-۷۶.
۶. پورغفارمغفرتی، محمدرضا و پوررمضان، عیسی. (۱۳۹۴). مقایسه تطبیقی وضعیت اجتماعی مسکن روستایی (مطالعه موردی: شهرستان رشت و شهرستان فومن). مجموعه مقالات اولین اجلاس علمی پژوهشی افق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی ایران. منتشر شده توسط انجمن توسعه و ترویج علوم و فنون بنیادین، تهران.
۷. جمشیدی، علیرضا؛ جمینی، داوود؛ صیدایی، اسکندر و نجفی، مریم. (۱۳۹۲). تحلیل شاخص‌های مسکن روستایی استان ایلام و سطح‌بندی آن‌ها با استفاده از تحلیل عاملی و خوشه‌ای. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۳۲ (۱۴۳)، ۶۹-۸۸.
۸. دلال پورمحمدی، محمدرضا. (۱۳۹۳). برنامه‌ریزی مسکن. چاپ دوازدهم، تهران: سمت.
۹. زیاری، کرامت‌الله و زرافشان، عطاالله. (۱۳۸۵). بررسی تغییرات کمی و کیفی مسکن در شهر مراغه و پیش‌بینی مسکن موردنیاز تا سال ۱۴۰۲، مجله جغرافیا و توسعه، ۴ (۱۲)، ۸۵-۱۰۵.
۱۰. سالنامه آماری استان گیلان. (۱۳۹۰). معاونت برنامه‌ریزی و اشتغال. استانداری گیلان، رشت: دفتر آمار و اطلاعات و GIS.
۱۱. ستارزاد، داوود. (۱۳۸۸). بررسی شاخص‌های جمعیتی مسکن ایران ۱۳۸۵. فصلنامه جمعیت، ۱۷، ۶۷-۶۸.
۱۲. شکرگزار، اصغر. (۱۳۸۵). توسعه مسکن شهری در ایران. رشت: حق‌شناس.
۱۳. صارمی، حمیدرضا و ابراهیم‌پور، مریم. (۱۳۹۱). بررسی شاخص‌های مسکن ایران و جهان (مطالعه موردی: ایران، انگلیس و فرانسه). مجله هویت شهر، ۶ (۱۰)، ۹۱-۱۰۲.
۱۴. علوی، سیدحسین. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت کمی و کیفی مسکن روستایی (نمونه موردی: روستایی کره موجی از بخش مرکزی شهرستان لامرد). مجموعه مقالات ملی الکترونیک توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی معماری و شهرسازی.
۱۵. عموزاده، معصومه؛ غلامی، بهمن؛ هاشمیان، سکینه و شمس، سیمین. (۱۳۹۲). بررسی شاخص‌های مسکن در ایران (مطالعه موردی: شهر جدید هشتگرد). مجموعه مقالات دومین همایش ملی بررسی راه‌کارهای ارتقای مدیریت، حسابداری، مهندسی صنایع در سازمان‌ها، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گچساران.
۱۶. غفاری، سیدرامین. (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی و طراحی سکونت‌گاه‌های روستایی. اصفهان: جهاد دانشگاهی.
۱۷. قالیباف، محمدرضا. (۱۳۹۰). نگاه راهبردی به مسکن و شهرسازی در کشور. تهران: نگارستان حامد.
۱۸. ملکی، سعید. (۱۳۹۰). بررسی وضعیت شاخص‌های اجتماعی مسکن در مناطق روستایی شهرستان اهواز. فصلنامه فضای جغرافیایی، ۱۱ (۳۶)، ۱۰۳-۱۱۳.
۱۹. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان رشت. (۱۳۹۰). وبگاه سازمان آمار ایران.
۲۰. نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن شهرستان رشت. (۱۳۸۵-۱۳۴۵). رشت: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استانداری گیلان.
۲۱. نوری، مسلم. (۱۳۹۳). ارزیابی شاخص‌های اجتماعی مسکن اسفراین. مجموعه مقالات منتشر شده کنفرانس ملی معماری و منظر شهری پایدار. تبریز، ۱۲-۱۲۵.

22. Buckley, R., Jerry, K. (2005). *Housing policy in Developing countries. Conjectures and Refutations*, World Bank, 233-257.

23. Emmanuel, J. B. (2012). Housing Quality to the Low Income Housing Producers in Ogbere.Ibadan, Nigeria.*Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 35, 483-494.
24. Gallent, N., & Robinson, S. (2011). Local perspectives on rural housing affordability and implications for the localism agenda in England. *Journal of Rural Studies*, 27 (3), 297-307.
25. Lawrence, R. (2012). *Health and housing*. International Encyclopedia of housing and home, 323-331.
26. Lio, W, T.(2014).The influence of housing character isties on rural migarants living condition in Beijng Fengati District. *Housing & Building national research center HBRC journal accepted*.
27. Maliene, V., & Malys, N. (2009). High-quality housing- A key issue in delivering sustainable communities. *Building and Environment*, 44 (2), 426-430.
28. Guan, M. (2013). Relationship between life consumption and rural housing value in China. *IERI Procedia*, 5, 327-331.
29. Short, J, R. (2012). *Planning and urban design standard*, Newgersy: Routhedg Behaviourstudies, Bangkok, Thailand.
30. Lin, Y., De Meulder, B., CAI, X., Hu, H., & Lai, Y. (2014). Linking social housing provision for rural migrants with the redevelopment of ‘villages in the city’: A case study of Beijing. *Cities*, 40, 111-119.
31. Zou, Y. (2014). Analysis of spatial autocorrelation in higher-priced mortgages: Evidence from Philadelphia and Chicago. *Cities*, 40, 1-10.
32. Zainal, N. R., Kaur, G., Ahmad, N. A., & Khalili, J. M. (2012). Housing conditions and quality of life of the urban poor in Malaysia. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 50, 827-838.